

تحلیل و بررسی موانع مشارکت اجتماعی زنان روستایی در فرایند توسعه روستایی

(مطالعه موردی: شهرستان ایوان)

محمدجواد فتاحی^۱، فرزانه منتیان^۲، زینب نرگسی^۳، منتهی بوعذار^۴

^۱ دانش آموخته کارشناسی ارشد ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه تهران

^۲ دانش آموخته کارشناسی ارشد گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه تهران

^۳ دانش آموخته کارشناسی ارشد گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه رامین اهواز

^۴ دانش آموخته کارشناسی گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه رامین اهواز

نویسنده مسئول:

محمد جواد فتاحی

چکیده

امروزه مشارکت زنان در توسعه پایدار روستایی، نه یک مسئله اختیاری، بلکه یک امر ضروری است و آن دسته از جوامع که نیاز به مشارکت را جدی تلقی نکرده اند دچار شکست هایی شده اند. در دنیای کنونی، رسیدن به اهداف توسعه، مشارکت همه اقشار و گروهها را می طلبد و در این میان زنان به عنوان نیمی از پیکر یک جامعه نقشی بسیار عظیم و نیرومند دارند. هدف این پژوهش بررسی موانع مشارکت اجتماعی زنان روستایی شهرستان ایوان در استان خوزستان می باشد. این تحقیق از نوع مطالعات توصیفی همبستگی بوده و جامعه آماری آن را زنان روستایی ۱۸ سال به بالا در شهرستان ایوان تشکیل می دهند. که از میان آن ها ۸۰ نفر به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. ابزار جمع آوری اطلاعات در این تحقیق پرسشنامه محقق ساخت بوده و روایی محتوایی آن به وسیله پانلی از متخصصان، تایید گردید. داده های جمع آوری شده به وسیله نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. جهت سنجش موانع مشارکت اجتماعی زنان روستایی متغیرهای اجتماعی، فرهنگی، فردی و اقتصادی مورد سنجش قرار گرفت. نتایج مطالعات همبستگی وجود ارتباط مثبت و معنی دار میان مشارکت اجتماعی زنان روستایی با سن، سطح تحصیلات (در سطح ۰/۰۱)، علاقه و فقر (در سطح ۰/۰۵)، و همچنین وجود ارتباط منفی و معنی دار با کمبود نیروی متخصص زن در روستا را نشان می دهد. نتایج این پژوهش همچنین یافته ها حاکی از آن است که میانمیزان مشارکت زنان روستایی بر اساس متغیر وضعیت تاهل و همچنین متغیر سطح تحصیلات (در سطح ۰/۰۱) تفاوت آماری معنی دار وجود دارد.

کلمات کلیدی: مشارکت، مشارکت اجتماعی، زنان روستایی، توسعه پایدار روستایی

مقدمه

مفهوم مشارکت از دو قرن پیش وارد نظام های سیاسی و سپس قلمرو صنعت بازرگانی و اقتصاد گردید. اما در سه دهه اخیر به شدت مورد توجه متخصصان توسعه و سیاستمداران قرار گرفته است [14]. فلسفه اصلی مشارکت استفاده از نظر و فکر دیگران در تصمیم گیری ها است. زیرا مسائل زندگی اجتماعی به قدری پیچیده و دارای جوانب گسترده است که تعداد معدودی از افرادی که در رأس جامعه قرار دارند و یا معدود نخبگان جامعه به تنهایی قادر به حل آنها و تشخیص راه صواب نیستند و نیازمند رایزنی عمومی و تبادل نظر با دیگران می باشند [13]. مشارکت یکی از پدیده هایی است که حاصل کنش متقابل انسان هاست و در واقع اقدامی متقابل، مؤثر و کاراست که برای اهدافی اجتماعی صورت میگیرد. امروزه مشارکت به عنوان شاخصی مهم در ادبیات توسعه پایدار محسوب می شود و توسعه منابع انسانی عامل کلیدی و پیش شرط ضروری برای دستیابی به این توسعه به شمار می رود [5]. در دنیای کنونی رسیدن به هدف توسعه، مشارکت همه اقشار و گروهها را می طلبد. و در این میان تردیدی نیست که نقش زنان به عنوان نیمی از پیکر یک جامعه نقشی بسیار عظیم و نیرومند دارد [16]. امروزه اهمیت توسعه روستایی و نقش حیاتی آن در توسعه و پیشبرد کشورها و بویژه کشورهای در حال توسعه بر هیچ کس پوشیده نیست و به باور کار شناسان و دست اندرکاران امر، تحقق این مهم در گرو توسعه منابع انسانی است. به همین اعتبار، اولویت رشد و توسعه منابع انسانی بر سایر وجوه توسعه روستایی، امری انکار ناپذیر می باشد [20]. مطالعات اجتماعی نشان از آن دارد که دستیابی به توسعه پایدار بدون مشارکت فعال زنان در تمامی عرصه ها اعم از عرصه های خانوادگی، اقتصادی و اجتماعی امکان پذیر نیست. اما مطالعات اخیر نشان می دهد که عوامل اجتماعی- فرهنگی انتظارات متفاوت جامعه از مرد و زن موانع مهمی را بر سر راه مشارکت زنان به وجود آورده است [6]. متأسفانه در بسیاری از برنامه های توسعه، نقش اساسی و تعیین کننده زنان به فراموشی سپرده شده است و این خود عدم موفقیت بسیاری از برنامه ها و پروژه های توسعه علی الخصوص در مناطق روستایی جهان شده است. نبود منابع آماری دقیق در زمینه شناخت نوع و میزان مشارکت زنان در روستاها، بی اهمیت دانستن نقش آن ها از سوی برنامه ریزان توسعه و نبود مهارت علمی در مطالعه وضعیت این زنان، سبب شده است تا آنان وابسته مردان به شمار آیند و هرگز از استقلال اجتماعی و اقتصادی برخوردار نباشند [1]. با توجه به چنین وضعیتی اولین سؤالی که به ذهن متبادر می شود این است که موانع و محدودیت های مشارکت زنان چیست؟ علل و عوامل (فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، فردی و خانوادگی) مؤثر بر فرآیند و میزان مشارکت، نابرابری و غیر عادلانه بودن فرصت های مشارکت برای زنان و قدرت اثر گذاری آنان بر فرآیند توسعه، مسئله تحقیق حاضر بوده و شناسایی ابعاد آن، هدف این پژوهش است.

پیشینه تحقیق

سابقه مشارکت به قدمت تاریخ بشر است و از نیمه دوم قرن بیستم این مفهوم با نگرشی نو به موضوعی کلیدی بدل شده است [13]. به طوری که مشارکت را اساس زندگی اجتماعی و جامعه بشری می دانند. فلسفه اصلی مشارکت استفاده از فکر و نظر دیگران در تصمیم گیری هاست. زیرا مسائل زندگی اجتماعی به قدری پیچیده و دارای جوانب گسترده است، که تعداد معدودی از افرادی که در رأس جامعه قرار دارند و یا معدود نخبگان جامعه به تنهایی قادر به حل آنها و تشخیص راه صواب نیستند و نیازمند رایزنی عمومی و تبادل نظر با دیگران می باشند [23]. اکثریت نظریه پردازان توسعه مشارکت را جزء ضروری توسعه میدانند. در این رابطه چمبرز (۱۳۸۷) می گوید: مشارکت علی رغم گستردگی تعاریف و مفاهیم و وجود ابهامات در تبیین مفهوم آن، شرط اساسی برای توسعه است.

شواهد گوناگون نشان میدهد که تا کنون کانون توجه برنامه ریزان، مسائل روستایی بوده و به زنان روستایی کمتر توجه شده است و این مسئله اثرات زیان باری در پی داشته که تأثیر آن در کشورهای جهان سوم بیشتر مشهود است. این در حالی است که طبق آمار و ارقام موجود زنان روستایی نقش عمده ای در تولید محصولات گوناگون زراعی، دامی، صنایع دستی و تبدیلی بر عهده دارند و در عین حال با موانع و مشکلات زیادی در انجام فعالیتهای خود مواجه هستند [12].

ردی و همکاران (۱۹۷۳)، در تحقیقی در امریکا نشان دادند که به رغم افزایش برابری زنان و مردان تفاوت عمده ای بین مشارکت دو جنس وجود دارد. همچنین تنویر (۲۰۰۴)، بیان می کند که نابرابری های جنسی با مردان از عوامل فرهنگی است که بر مشارکت زنان روستایی تأثیر منفی می گذارد. از طرفی، در طراحی بسیاری از برنامه های توسعه اینگونه فرض شده است که مردان نان آور و سرپرست خانوار هستند و زنان

فقط به عنوان همسر آنها می باشند، همچنین فرض شده است که توسعه بر مردان و زنان به یک اندازه تأثیر می گذارد و همانطور که منجر به بهبود وضعیت زندگی مردان میشود، میتواند منجر به بهبود وضعیت زندگی زنان نیز بشود [11]. در حالی که در دنیای کنونی، رسیدن به اهداف توسعه، بدون استفاده از ذخیره عظیم زنان امری غیر ممکن خواهد بود. به دیگر سخن، یکی از شاخص های نوسازی اقتصاد ملی و توسعه اجتماعی، مشارکت زنان و نحوه ایفای نقش آنان در ساختارهای اقتصادی است. با این وجود، هنوز در جوامع مختلف، به دلایل گوناگون فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، تعادل مطلوب و قابل قبولی در امر مشارکت عادلانه زنان در جهت توسعه و بروز خلاقیت ها و استعداد های آنان برقرار نشده است [25]. کار و پونیا (۱۹۸۸) به بررسی مشارکت زنان در فعالیت های خانه و مزرعه پرداخته اند. نتایج این تحقیق نشان داده است که سطح توسعه روستا، طبقه اجتماعی، وضع اقتصادی و سطح تکنولوژی خانواده رابطه مثبت و معنی داری با زمان کار زنان داشته است. نتایج این تحقیق نشان می دهد که بین تعداد زنان روستایی درگیر در امور کشاورزی با سن آنها و وسعت زمین رابطه منفی و معنی داری وجود دارد [3].

در مطالعه دیگری، الیسیا و همکاران (۲۰۱۰) به بررسی عوامل بازدارنده مشارکت اجتماعی زنان در مناطق روستایی پرداخته اند. نتایج نشان داد که در مجموع زنان روستایی مورد مطالعه از میزان مشارکت بسیار پایینی در فعالیت های مختلف برخوردار بوده و عواملی همچون سطح تحصیلات، باورهای فرهنگی، جنسیت و سن از مهمترین عوامل بازدارنده مشارکت آنان در فعالیت های تولیدی می باشند.

از سوی دیگر، علی رغم اهمیت نقش زنان و مشارکت آنها در فرایند توسعه روستایی، متأسفانه مشارکت آنها با تنگناها، موانع، مشکلات و محدودیت های زیادی مواجه است و این مسئله استفاده از پتانسیل زنان روستایی در برنامه های توسعه روستایی را به امری پیچیده مبدل ساخته است که خارج شدن از آن نیاز به شناخت و آگاهی دارد [9]. از جمله موانع مشارکت زنان می توان به موانع فرهنگی و خانوادگی اشاره کرد. الگوهای مختلف و رایجی در مورد نقش زنان در سراسر جهان پدیدار شده است. در برخی جوامع آموزش و پرورش در صدد از میان برداشتن موانع مشارکت زنان است. اطلاعات جدید نشان می دهد که میزان مشارکت زنان در زمینه های مختلف اجتماعی و فرهنگی از وضعیت نسبی برخوردار است. مانع دیگری که وجود دارد، تعهدات خانوادگی، عدم حمایت مالی همسر در مناطق روستایی و هزینه ها است که باعث می شود زنان وابسته به مرد باشند [22].

همچنین می توان گفت، یکی از دلایل مهم پایین بودن سهم مشارکت زنان در بسیاری از کشورها، عدم دسترسی آنها به منابع اقتصادی است. در کشورهای در حال توسعه، مالکیت زمین و سرمایه به شدت با منافع مرد خانواده گره خورده است [10]. با این حال، شواهد زیادی حکایت از این دارد که هر زمان ساختار اجتماعی، از رویه ی استاندارد مالک بودن مرد خارج شود، زنان به ابتکارهای تجاری و اقتصادی نو، با موفقیت های بسیار دست زده اند. بدیهی است هدف مشارکت بیشتر زنان، صرفاً ایجاد درآمد برای آنها نیست، بلکه بهبود منافع اجتماعی ناشی از استقلال مالی نیز در دستور کار قرار دارد [2].

حسینی نیا و ملک محمدی (۱۳۷۹) به نقل از جانسون و ریورا موانع مشارکت را به چهار دسته تقسیم کرده اند:

۱- موانع وضعیتی که مرتبط با وضعیت پولی، وقت، پرستاری از بچه، امکانات حمل و نقل و آب و هواست.

۲- موانع مؤسسه ای که مرتبط با فراهم کردن خدمات آموزشی، برنامه ریزی های ناهماهنگ و موقعیت های محدود کننده است.

۳- موانع جمعیتی - اجتماعی: مثل سن، نژاد، درآمد، سطح آموزش، موقعیت جغرافیایی و...

۴- موانع تمایلاتی: مثل عزت نفس و مشارکت گروهی [18].

رئیزی مبارکه (۱۳۷۶)، نیز موانع مشارکت زنان را مواردی مانند الگوی سنتی و موانع ساختاری و نگرشی، نقش منفی رسانه های گروهی و کلیشه سازی از زنان و مردان، دسترسی محدود زنان به آموزش و تمرین، مدیریت و نبود آمار و اطلاعات لازم در حیطه زنان گزارش می کند.

از سوی دیگر، بعضی عوامل ساختاری نیز در پایین بودن میزان مشارکت زنان در ایران نقش دارند. زنان ایرانی بیشتر در فعالیت های غیر رسمی (کارهایی که در خانه انجام می شود) و بخش کشاورزی فعال هستند. به همین دلیل بسیاری از فعالیت های آنها لحاظ نمی شود

[15]. همچنین نرخ مشارکت زنان ایرانی در مقایسه با سایر کشورهای در حال توسعه پایین است. در حالی که در اکثر کشورهای در حال توسعه، به جز منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، میزان مشارکت زنان ۳۰ تا ۴۰ درصد است. این رقم برای ایران به سختی به ۱۵ درصد می رسد. مقدار مشارکت زنان را می توان تابعی از عوامل فرهنگی و اجتماعی و تا حدی چهارچوب های قانونی دانست [4].

علیرضا نژاد در مطالعه ای با عنوان "بررسی مشارکت زنان در فعالیتهای تولیدی و دگرگونی آن با ورود تکنولوژی در روستای گوهردان" به این نتیجه دست یافت که با ورود تکنولوژی و تسلط کشت تجاری در منطقه مورد بررسی از میزان فعالیت زنان کاسته شده است و فعالیت زنان بیشتر در مناطقی که هنوز تکنولوژی نوین در آنها نفوذ نکرده است، متمرکز می باشد. ضمناً ورود تکنولوژی به حیطه هایی از کار زنان موجبات انتقال این وظایف به حوزه فعالیت مردانه شده است [7].

سبکتکین (۱۳۷۳)، در تبیین رابطه میزان تحصیلات زنان روستایی با میزان مشارکت اجتماعی آنها در منطقه لواسانات شهرستان شمیران، به این نتیجه رسیده است که بین سطح سواد زنان و میزان مشارکت آنان در عرصه های گوناگون جامعه رابطه وجود دارد و هر چه سطح سواد بالاتر باشد، میزان مشارکت اجتماعی هم بیشتر است [9].

زاران و همکارانش در مقاله خود به بررسی مشارکت زنان در پاکستان پرداختند و نشان دادند که وضعیت مالی خانوار، سن زنان، تحصیلات و وضعیت تأهل در میزان مشارکت زنان تأثیر مثبت دارد [27].

درآمد خانواده نیز بر مشارکت زنان مؤثر است و زنان متعلق به خانواده های کم در آمد کمتر مستعد به مشارکت هستند. در واقع فقر یک مانع قوی برای مشارکت نیروی کار زنان است [24].

رضایی قادری، در مطالعه ای با عنوان "بررسی راه حل های جلب مشارکت اقتصادی-اجتماعی زنان روستایی با تاکید بر نهادهای سنتی: مطالعه موردی شهرستان سواد کوه" به این نتیجه رسیده است که بین متغیرهای سن با شاخص های مشارکت اجتماعی-اقتصادی رابطه منفی معنی دار و نسبتاً قوی وجود دارد. یعنی هرچه سن پاسخگویان بیشتر باشد، میزان مشارکت آنها کاهش می یابد. همچنین بین متغیر وضعیت تاهل و مشارکت زن در تولید، همبستگی و رابطه معنی دار وجود دارد [8].

نتایج پژوهش نامدار نیز نشان داد که بین تعداد فرزندان و اشتغال زنان رابطه معکوس وجود دارد؛ یعنی، با افزایش تعداد فرزندان که افزایش مسئولیت های زنان را در پی دارد، مشارکت زنان روستایی کاهش می یابد و همچنین ازدواج زنان روستایی و پذیرش مسئولیت های خانواده نیز از میزان مشارکت زنان روستایی می کاهد [19].

با این دلایل مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، تعادل مطلوب و قابل قبول در امر مشارکت عادلانه زنان برقرار نشده است و مشارکت آنان در ابعاد مختلف به لحاظ برخی از تنگنایهای ساختاری حاکم بر مناطق روستایی، با موانع و مشکلاتی روبرو است [17]. بنابراین این لازم است سیاستگذاران و برنامه ریزان توسعه در طراحی برنامه های توسعه به سهم بالای زنان در برنامه های توسعه توجه داشته باشند و برنامه هایی طراحی کنند که متناسب با نیازهای زنان باشد و در بهبود وضعیت زندگی زنان نیز مؤثر باشد.

هدف کلی از تحقیق حاضر بررسی موانع مشارکت اجتماعی زنان روستایی می باشد. و اهداف ویژه ای که این تحقیق دنبال می کند عبارتند از:

۱- شناسایی و اولویت بندی موانع مشارکت اجتماعی زنان روستایی مورد مطالعه؛

۲- بررسی وضعیت موجود مشارکت زنان در برنامه های توسعه؛

۳- تعیین میزان استفاده از منابع اطلاعاتی و کانالهای ارتباطی؛

۴- توصیف ویژگی های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زنان روستایی مورد مطالعه و تعیین رابطه آنها با میزان مشارکت اجتماعی زنان روستایی؛

روش شناسی پژوهش

تحقیق حاضر از نوع توصیفی - همبستگی است. جامعه آماری این تحقیق را زنان روستایی ۱۸ سال به بالا تشکیل می دهند. حجم نمونه مورد مطالعه شامل ۸۰ نفر است که طبق نمونه گیری تصادفی و ساده انتخاب و مطالعه شدند. ابزار گرد آوری اطلاعات در این تحقیق پرسشنامه ای است که توسط محقق و با بررسی منابع مختلف تدوین گردیده است. پرسشنامه از دو بخش تشکیل شده بود: بخش اول شامل ویژگی های فردی و حرفه ای زنان روستایی بود و بخش دوم دیدگاه آنان نسبت به عوامل مؤثر بر عدم مشارکت اجتماعی زنان روستایی را در بر می گرفت. به منظور تعیین روایی پرسشنامه از پانل متخصصان استفاده شد و پایایی آن نیز پس از انجام مطالعه پیشاهنگ و محاسبه ضریب آلفا کرونباخ (۰/۸۰) تایید شد. تجزیه و تحلیل داده ها، با استفاده از نرم افزار SPSS صورت گرفت.

فرضیه های تحقیق عبارتند از:

- ۱- مشارکت زنان در برنامه های توسعه در موقعیت مطلوب قرار دارد.
- ۲- بین ویژگی های فردی و خانوادگی زنان روستایی با میزان مشارکت اجتماعی آنها رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد.
- ۳- ویژگی های فردی و حرفه ای می تواند در مشارکت اجتماعی زنان روستایی تفاوت معنی دار ایجاد نماید.

یافته های تحقیق

یافته های پژوهش نشان داده است که میانگین سنی زنان روستایی مورد مطالعه برابر ۳۲ سال می باشد. از مجموع ۸۰ نفر، ۱۳ درصد آنها مجرد و ۸۷ درصد متأهل هستند. میانگین تعداد فرزندان ۵ نفر می باشد. بررسی میزان تحصیلات زنان روستایی نشان داد که ۲۰ درصد زنان روستایی بیسواد بودند. ۳۵ درصد آنان تحصیلات ابتدایی، ۲۸ درصد آنان تحصیلات راهنمایی و ۱۷ درصد تحصیلات متوسطه و بالاتر داشتند. با توجه به اطلاعات جمع آوری شده در رابطه با میزان استفاده از منابع اطلاعاتی و کانال های ارتباطی توسط زنان روستایی مورد مطالعه، مشاهده می شود که ارتباط با مروجین (زن و مرد) و مرکز خدمات در اولویت اول، زنان روستایی و خویشاوندان و دوستان در اولویت دوم بیان شده اند. دامپزشک، تعاونی، سایر تولید کنندگان تلفن و بهورز بهداشت به ترتیب در اولویت های سوم تا هفتم قرار دارند. هم چنین با توجه به نتایج حاصل مشخص گردید که مشارکت پاسخگویان در پایگاه بسیج، تعاونی تولید، انجمن و شورا به ترتیب در اولویت های اول تا چهارم قرار گرفته اند. با توجه به یافته های تحقیق ۱۰ نفر از مجموع پاسخگویان فقط به کارخانه داری مشغول اند و ۷۰ نفر از زنان علاوه بر امور خانه داری، در امور زراعی، دامداری، صنایع دستی، پرورش طیور و غیره مشارکت فعال دارند، که این امر مبین اختلاط نقش ها در خانواده روستایی و انجام کارهای خانه به صورت گروهی است.

نمودار میله ای وضعیت سواد زنان روستایی در ذیل قابل مشاهده است. بطوریکه مشاهده میشود زنان روستایی با تحصیلات ابتدایی دارای بیشترین فراوانی هستند. بنابراین با توجه به چنین وضعیتی ضروری است که برای ارتقاء مشارکت زنان در برنامه توسعه روستایی، امکان فراگیری سواد از طریق برگزاری دوره های نهضت سوادآموزی تا حد ممکن فراهم گردد.



نمودار ۱- توزیع فراوانی تحصیلات زنان روستایی

توزیع فراوانی مشارکت افراد مورد مطالعه در سه گروه مشارکت کم، متوسط و زیاد در جدول ذیل قابل مشاهده است. بطوریکه مشاهده می شود ۲۶ نفر از افراد دارای مشارکت کم، ۲۱ نفر متوسط و ۳۳ نفر دارای مشارکت زیاد هستند. میتوان نتیجه گرفت که میزان مشارکت زنان به طور کلی متوسط است و با توجه به سیاست های دولت در زمینه افزایش مشارکت زنان در فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی هنوز زمینه های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی لازم برای حضور فعال زنان در جامعه فراهم نشده است.

جدول شماره ۱- توزیع فراوانی مشارکت اجتماعی زنان روستایی مورد مطالعه

سطوح مشارکت	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
کم	۲۶	۳۲/۱	۳۲/۵
متوسط	۲۱	۲۵/۹	۵۸/۸
بالا	۳۳	۴۰/۷	۱۰۰

در این مطالعه به منظور اولویت بندی موانع مشارکت اجتماعی زنان روستایی، برای هر یک از گویه ها میانگین و ضریب تغییرات سنجیده شده، و بر اساس آن زمینه های اجتماعی - فرهنگی موثر بر مشارکت اجتماعی زنان روستایی اولویت بندی شدند

جدول شماره ۲- اولویت بندی موانع مشارکت اجتماعی زنان روستایی مورد مطالعه

اولویت	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین	موانع مشارکت
۱	۰/۰۶	۰/۳۴	۵/۶۲	نداشتن تعاونی در روستا
۲	۰/۳۸	۲/۶۰	۶/۷۷	کمبود نیروی متخصص زن
۳	۰/۴۵	۲/۵۱	۵/۵۵	آداب و رسوم سنتی در روستا
۴	۰/۵۰	۲/۶۴	۵/۲۰	عدم رضایت خانواده
۵	۰/۵۱	۲/۸۲	۵/۴۶	در دسترس نبودن خدمات ترویجی
۶	۰/۶۳	۲/۴۴	۳/۸۷	فقر
۷	۰/۶۴	۲/۵۸	۴/۰۲	نداشتن اعتماد به نفس
۸	۰/۸۶	۲/۹۲	۳/۳۶	علاقه نداشتن
۹	۰/۶	۲/۷۸	۴/۶۲	پایین بودن سواد

همان طور که جدول شماره ۲ نشان می دهد، نداشتن تعاونی در روستا، کمبود نیروی متخصص زن و آداب و رسوم سنتی حاکم بر روستا بیشترین موانع مشارکت اجتماعی افراد مورد مطالعه را تشکیل می دهند و نداشتن اعتماد به نفس، علاقه نداشتن و پایین بودن سواد کمترین موانع مشارکت اجتماعی را تشکیل می دهند

جدول شماره ۳- اولویت بندی موانع مشارکت اجتماعی زنان روستایی مورد مطالعه با تاکید بر وضعیت تاهل

گروه مورد مقایسه						موانع مشارکت
متاهل(۷۰نفر)			مجرد(۱۰نفر)			
اولویت	ضریب تغییرات	میانگین	اولویت	ضریب تغییرات	میانگین	
۱	۰/۰۴	۶/۶۸	۱	۰/۰۸	۴/۷	کمبود نیروی زن متخصص
۳	۰/۰۵	۵/۸۴	۲	۰/۰۸	۸/۲	دردسترس نبودن خدمات ترویجی
۵	۰/۰۶	۵/۱	۳	۰/۱۰	۵/۸	عدم رضایت خانواده
۴	۰/۰۵	۵/۴۷	۴	۰/۱۱	۱/۶	آداب و رسوم سنتی در روستا
۷	۰/۰۷	۴/۰۷	۵	۰/۱۴	۳/۷	نداشتن اعتماد به نفس
۸	۰/۰۷	۳/۹	۶	۰/۱۴	۳/۳	فقر
۲	۰/۰۵	۶/۰۸	۷	۰/۱۶	۲/۴	در دسترس نبودن تعاونی
۶	۰/۰۷	۴/۵۸	۸	۰/۱۸	۴/۹	سواد پایین
۹	۰/۶۵	۳/۴	۹	۰/۲۲	۳/۱	علاقه نداشتن

منبع: یافته های تحقیق

جدول شماره ۳ نشان می دهد که در بین زنان مجرد کمبود نیروی متخصص زن، در دسترس نبودن خدمات ترویجی و عدم رضایت خانواده بیشترین موانع مشارکت می باشند و همچنین سواد پایین و علاقه نداشتن، کمترین موانع مشارکت می باشند. در بین زنان متاهل کمبود نیروی متخصص زن، در دسترس نبودن خدمات ترویجی و تعاونی بیشترین موانع را تشکیل می دهند و نداشتن اعتماد به نفس، فقر و علاقه نداشتن کمترین موانع مشارکت می باشند.

بنابراین با توجه به نتایج بدست آمده از جداول ۲ و ۳ می توان گفت، از مهم ترین مشکلات روستا، نداشتن تعاونی، خدمات ترویجی و مروج زن و همچنین آداب و رسوم سنتی روستا می باشند. لذا، ایجاد و تقویت تشکل های زنان روستایی (به ویژه در قالب تعاونی ها و انجمن های زنان) و تغییر ذهنیت ها و باورهای سنتی نسبت به زنان و تقویت حس اعتماد به نفس و طرح ریزی دوره های آموزشی-ترویجی بر مبنای نیاز سنجی زنان روستایی و با مشارکت خودآنان با هدف فراهم ساختن امکان ارائه مسائل زنان در قالب برنامه های آموزشی-ترویجی هم می تواند در افزایش مشارکت موثر باشد.

پس از محاسبه متغیر وابسته این پژوهش و اولویت بندی موانع مشارکت زنان روستایی، باید به دنبال عواملی بود که میزان مشارکت را افزایش یا کاهش می دهند. بدین منظور در ادامه ابتدا به آزمون مقایسه میانگین بین برخی از متغیرها (شامل ازمون F)، سپس به بررسی روابط همبستگی متغیر مشارکت با نه دسته از عوامل دیگر پرداخته خواهد شد.

برای پی بردن به وجود تفاوت بین میزان مشارکت اجتماعی گروه های مختلف زنان روستایی با توجه به موانع مشارکت از آزمون F استفاده شد.

جدول شماره ۴-مقایسه میانگین تفاوت بین میزان مشارکت اجتماعی زنان روستایی مورد مطالعه با توجه به متغیرهای مورد بررسی

متغیر	میانگین			آماره F	سطح معنی داری
	۱	۲	۳		
سن	۲۷/۶۵ ^a	۳۳/۶۱ ^b	۳۳/۱۵ ^b	۹/۴۲	۰/۰۰
سواد	۱/۸۸ ^a	۲/۷۶ ^b	۲/۹۶ ^b	۷/۵۲	۰/۰۱
کمبود نیروی متخصص زن	۷/۹۲ ^a	۶/۵۸ ^{ab}	۵/۸۱ ^b	۵/۵۲	۰/۰۷
فقر	۲/۸ ^a	۴/۷۱ ^b	۴/۱۸ ^b	۴/۳	۰/۰۱

۱ مشارکت کم، ۲ متوسط، ۳ بالا

با توجه به نتایج جدول شماره ۴، بین میزان مشارکت گروه های مختلف زنان از نظر سطوح تحصیلی، سن و فقر با ۹۹٪ اطمینان تفاوت آماری معنا داری وجود دارد. بنابراین ضروری است که برای ارتقاء مشارکت زنان در برنامه توسعه روستایی، امکان فراگیری سواد از طریق برگزاری دوره های نهضت سواد آموزی تا حد ممکن فراهم گردد. همچنین با توجه به تاثیر وضعیت اقتصادی خانوار بر میزان مشارکت زنان روستایی لازم است از طریق احداث کارگاه (ماست بندی) و تعاونی برای صنایع دستی، زمینه مرئی شدن یا به عبارت دیگر، داخل شدن آنها در اقتصاد محلی، فراهم گردد. ولی از نظر تعداد فرزند، در دسترس نبودن خدمات ترویجی، علاقه، آداب و رسوم سنتی و نبود تعاونی تفاوت معناداری وجود ندارد. به منظور تعیین رابطه بین متغیرهای مورد بررسی با میزان مشارکت اجتماعی زنان روستایی از ضریب همبستگی پیرسون، اسپیرمن و کندال استفاده شده که نتایج آن در جدول شماره ۵ نشان داده شده است.

جدول شماره ۵- ضریب همبستگی بین متغیرهای مورد بررسی بامیزان مشارکت اجتماعی زنان روستایی مورد مطالعه

متغیر	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
سن	۰/۴۳	۰/۰۰**
سواد	۰/۳۸	۰/۰۰**
کمبود نیروی متخصص زن	۰/۳۵	۰/۰۱*
فقر	۰/۲۵	۰/۰۲*
علاقه	۰/۲۱	۰/۰۶*
در دسترس نبودن خدمات ترویجی	۰/۳۷	۰/۷۴
نداشتن تعاونی	۰/۹۸	۰/۳۸
نداشتن اعتماد به نفس	۰/۹۱	۰/۴۲
تعداد فرزند	۰/۴۹	۰/۶۶

*معنی داری در سطح ۵ درصد **معنی داری در سطح ۱ درصد

همانطور که این جدول نشان می دهد، از بین متغیرهای مذکور، پنج متغیر دارای رابطه معنی داری با متغیر میزان مشارکت اجتماعی دارند که از میان آنها، دو متغیر دارای رابطه مثبت و معنی داری در سطح ۰/۰۱ و دو متغیر رابطه مثبت و معنی داری در سطح ۰/۰۵ درصد دارند. در مقابل، متغیر کمبود نیروی متخصص زن، با ضریب همبستگی (۰/۳۵-) با میزان مشارکت در سطح ۰/۰۱ دارای رابطه منفی و معنی دار است. این موضوع بدان معنی است که افزایش کمبود نیروی متخصص زن از میزان مشارکت اجتماعی زنان روستایی کاسته است. اما بین تعداد فرزند و نداشتن اعتماد به نفس رابطه ای مشاهده نشد.

بحث و نتیجه گیری

یافته های توصیفی حاکی از آن بود که بیشتر پاسخگویان (۳۵ درصد) دارای تحصیلات ابتدایی بوده و شمار زیادی از آنان (۲۰ درصد) بی سواد بودند. لذا برگزاری کلاسهای سواد آموزی جهت بهبود کیفیت یادگیری زنان روستایی امری ضروری است. همچنین یافته های پژوهش حاضر نشان داد میزان مشارکت اجتماعی زنان به طور کلی متوسط رو به پایین است. این امر نشان دهنده این واقعیت است که همانند پژوهش های (شادی طلب و کمالی، ۱۳۸۱ و عفتی و کپوریان، ۱۳۷۶ و پاسبان، ۱۳۸۵)، ما هنوز در ابتدای راه جذب افراد خصوصا زنان به عنوان نیمی از اعضای جامعه در گروهها، سازمانهای رسمی و شرکت در تصمیم گیری ها و هم عضویت دائم بسر می بریم. این در حالی است که مشارکت اجتماعی نیمی از زنان (۵۰ درصد) بالا میباشد.

با توجه به نتایج تحقیق میزان تحصیلات زن روستایی با میزان مشارکت اجتماعی رابطه مثبتی دارد و به این معنا است که با بالا رفتن میزان تحصیلات فرد، میزان مشارکت اجتماعی او افزایش می یابد. این یافته ها با مطالعات سایر محققان (سبکتکین ۱۳۷۳، زاران و همکارانش ۲۰۰۲) همخوانی دارد.

همچنین بین میزان مشارکت اجتماعی زنان روستایی و کمبود نیروی متخصص زن رابطه منفی و معنی داری دیده می شود. بنابراین باید به تربیت مروجان زن کارآموده و دارای مهارتهای آموزشی - اجتماعی خاص زنان روستایی و استفاده از آنان برای ارائه مطالب آموزشی توجه خاصی مبذول گردد.

طبق نتایج، از موانع مشارکت مواردی مانند: کمبود نیروی متخصص زن، در دسترس نبودن خدمات ترویجی، نداشتن تعاونی در روستا و آداب و رسوم و اعتقادات سنتی حاکم بر روستا قابل ذکرند. یافته های فوق همگی نشان دهنده این واقعیت اند که جدی ترین موانع مشارکت اجتماعی زنان روستایی ریشه در مشکلات فرهنگی و اجتماعی دارند. مشابه این یافته ها در مطالعات (امیری اردکانی، ۱۳۸۵ و میرک زاده و همکاران، ۱۳۸۹) هم گزارش شده بود.

میزان مشارکت اجتماعی زنان متأهل بیشتر از زنان مجرد است. شاید بتوان این امر را اینگونه تبیین کرد که زنان متأهل به ضرورت حضور فرزندان در مدرسه، عضو انجمن هستند و مشارکت آنها در این انجمن باعث افزایش مشارکت آنها میشود. همچنین طبق نتایج، سن نیز عاملی است که در میزان مشارکت اجتماعی زنان روستایی تاثیر دارد، به طوری که با بالا رفتن سن زنان روستایی، مشارکت آنان نیز افزایش می یابد. ردی و همکاران (۱۹۷۳) نیز نشان دادند که بالا رفتن سن و متأهل بودن سبب افزایش مشارکت زنان میشود.

پیشنهادهات:

از آنجایی که با توجه به یافته ها میزان تحصیلات زنان روستایی، کمبود نیروی متخصص زن، آداب و رسوم غلط در روستا، نبود تعاونی و در دسترس نبودن خدمات ترویجی از موانع مشارکت اجتماعی زنان روستایی مورد مطالعه عنوان شده است، پیشنهادهای زیر عنوان می گردد:

- ✓ بستر سازی فرهنگی و اجتماعی مناسب برای تغییر نگرش خانواده و جامعه نسبت به مشارکت زنان؛
- ✓ ایجاد انگیزه در میان زنان و دختران برای بهره مندی از آموزش های مستمر و مداوم در حوزه عمومی اشتغال زایی؛
- ✓ تسهیل اولویت زنان در تعاونی های تولیدی، شوراهای اسلامی و سایر نهادهای اجتماعی و ارائه برنامه های ترویجی در راستای ارتقاء روحیه همکاری و تعاون بین زنان نیز توصیه می گردد.
- ✓ ایجاد و راه اندازی رشته های تخصصی و آموزشی برای حضور زنان در حوزه اشتغال از سوی مراکز آموزش عالی و فراهم نمودن حوزه های کاری متناسب با این رشته ها از سوی دولت و بخش خصوصی در جامعه؛
- ✓ ایجاد تعاونی های تولیدی، خدماتی، آموزشی و ... برای اشتغال زنان با سرمایه گذاری های مردمی و دولتی؛
- ✓ تربیت مروجان زن کارآموده و دارای مهارتهای آموزشی - اجتماعی خاص زنان روستایی و استفاده از آنان برای ارائه مطالب آموزشی - ترویجی؛
- ✓ آموزش درباره چگونگی انجام پروژه های محلی، تشکیل تعاونی ها و انجمن های محلی و نظیر آن برای زنان روستایی با توجه به سطح سواد آنان و با استفاده از کانال ها و منابع مورد استفاده آنان به منظور افزایش مشارکت پیشنهاد می شود. همچنین با توجه به پایین بودن مشارکت اجتماعی زنان روستایی پیشنهاد می شود در برنامه توسعه روستایی نقش و جایگاهی برای مشارکت زنان در

طراحی و اجرای این برنامه، در نظر گرفته شود. تشکیل گروهها و تشکل های یاریگر یا کمیته ها و زیربخش های زنان در تشکل های اجتماعی روستایی مانند صندوق توسعه پایدار می تواند گامهای بنیادی و عملی در جهت تحقق این پیشنهاد باشند. ✓ مبارزه با فقر اقتصادی و اجتماعی زنان و ارزش بخشی به کار و تولید آنان در بخش کشاورزی و سایر بخش های اقتصادی جامعه، با توجه به این نکته که در روستاها چهره فقر بیشتر زنانه می باشد و از این رو بالا رفتن پایگاه اقتصادی به طور مستقیم و با ضریب بالایی می تواند در افزایش مشارکت زنان موثر باشد.

منابع :

- [1]. امینی، م و شاپورآبادی، م. ۱۳۸۶، اشتغال زنان روستایی و ارزیابی تاثیر آن بر خود اتکایی اقتصادی آنها. مطالعات زنان، سال پنجم، شماره ۱، ص ۹۱-۶۵.
- [2]. پاپ زن، خالدی، خ و سلیمانی، ع. ۱۳۹۰، ارزشیابی آموزشهای فنی و حرفه ای زنان روستایی در زمینه ی صنایع دستی، فصلنامه علمی- پژوهشی جامعه شناسی زنان، سال دوم، شماره ۳، صص ۳۴-۲۱.
- [3]. پاسبان، ف. ۱۳۸۵، عوامل اقتصادی و اجتماعی موثر بر اشتغال زنان روستایی ایران. اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال چهاردهم، شماره ۵۳، صص ۱۷۲-۱۵۳.
- [4]. چنگیزی، م. ۱۳۷۴، تحولات اشتغال زنان در دو بخش صنعت و خدمات. سمینار بررسی مسائل جمعیتی ایران. شیراز.
- [5]. دادورخانی، ف. ۱۳۸۵، توسعه روستایی و چالش های اشتغال زنان. پژوهش های جغرافیایی، شماره ۵۵، صص ۱۸۸-۱۷۱.
- [6]. روستاک، تاجریزی، الف و زمانی پور، ا. ۱۳۸۹، عوامل موثر بر مشارکت زنان روستایی در تعاونی های تولیدی. تعاون، سال بیست و یکم، شماره ۲، صص ۹۴-۹۲.
- [7]. رئیسی مبارکه، س. ۱۳۷۶، تحولات فرایند مشارکت زنان روستایی در گذر به جامعه صنعتی. گردهمایی زنان، مشارکت، کشاورزی ۱۴۰۰، ج ۱، ۲۳ و ۲۲ شهریور. تهران، موسسه پژوهش های برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی وزارت کشاورزی، صص: ۲۸-۲۷.
- [8]. زمانی پور، الف. ۱۳۸۰، ترویج کشاورزی در فرایند توسعه. انتشارات دانشگاه فردوسی، مشهد، ص: ۴۶.
- [9]. سبکتکین ریزی، ق. ۱۳۸۵، میزان تبیین رابطه بین میزان تحصیلات زنان روستایی با مشارکت اجتماعی آنها. پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران. ص ۶۶.
- [10]. سعیدی، م. ۱۳۸۲، درآمدی بر مشارکت مردمی و سازمانهای غیر دولتی، انتشارات سمت
- [11]. شادی طلب، ژ. ۱۳۸۲، مشارکت اجتماعی زنان. فصلنامه علمی پژوهشی زنان، دوره ۱، سال سوم، شماره ۷.
- [12]. شامحمودی، الف، مسگره، الف و سلیمانی، ع. ۱۳۸۸، بررسی علل بی انگیزه بودن زنان روستایی شهرستان هرسین جهت حضور در کلاس های ترویجی. نخستین همایش ملی توسعه پایدار روستایی. ۳۰ اردیبهشت. کرمانشاه.
- [13]. شاعری، ع و سعدی، ح. ۱۳۸۳، راهنمای علمی مشارکت و ترویج منابع طبیعی. نشر پونه. تهران. صص ۱۶۳-۱.
- [14]. صفری، ر. ۱۳۸۷، عوامل فرهنگی و اجتماعی مرتبط با میزان مشارکت زنان روستایی در امور و مسائل خانوادگی. مقاله پژوهش زنان، دوره ۶، شماره ۱. صص ۱۵۹-۱۳۷.
- [15]. علاءالدینی، پ و رضوی، م. ۱۳۸۵، وضعیت مشارکت و اشتغال زنان در ایران. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال سوم، شماره ۱۲. صص ۱۵۲-۱۳۲.
- [16]. موحد، ح، لشگرآرا، ف. و کرکه آبادی، ن. ۱۳۸۵، تحلیل جنسیتی و زنان روستایی. ماهنامه جهاد. سال ۲۶، شماره ۲۷۳. مهر و آبان ۸۵. تهران.

- [17]. میرک زاده، ع و علی آبادی، و. ۱۳۸۹، واکاوی موانع مشارکت زنان روستایی در برنامه های آموزشی ترویجی، فصلنامه روستا و توسعه، شماره ۲، صص ۱۶۵-۱۴۷.
- [18]. ملک محمدی، الف و حسینی نیا، غ. ۱۳۷۸، انگیزه های مشارکت زنان روستایی در برنامه های آموزشی و ترویجی در استان فارس. مجله علوم کشاورزی ایران، ۳۱، صص: ۵۲-۳۹.
- [19]. نامدار، م. ۱۳۸۹، عوامل موثر بر اشتغال زنان همراه با ورود فناوری های نوین به عرصه اقتصاد روستایی، فصلنامه روستا و توسعه، سال سیزدهم، شماره ۲، صص ۱۲۸-۱۰۳.
- [20]. ویسی، ه و بادسار، م. ۱۳۸۴، بررسی عوامل موثر بر نقش اجتماعی زنان در فعالیت های روستایی، فصلنامه علمی-پژوهشی روستا و توسعه، سال هشتم، شماره ۴، صص ۳۹-۲۶.
- [21]. یعقوبی، ج. ۱۳۸۴، بررسی اثرات اعتبارات خرد بر اشتغال زنان روستایی استان زنجان، پژوهش زنان، شماره سوم، صص ۱۴۶-۱۲۵.
- [22]. Cameron, I. A. et al. 2008. Education and labor market participation of women in asia Evidence from Five countries, Economic Development and cultural change. pp:460-477.
- [23]. Elisia, L., Mussa, A. and Akarro, R. (2010) "Some actors that hinder women participation in social, political and economic activities in Tanzania", Arts and Social Sciences Journal, Volume 11: 1-10.
- [24]. Francesco pastor and Alina Verashchagina. 2008. The Determinants of female labour supply in Belarus. pp:11-14.
- [25]. Kaur, S.; Punia, R. K. (2005). Work participation of women in rural households: an empirical study. In: Guru Nanak Journal of Sociology. 9: 2, pp 51-77
- [26]. Karen Evans (2000). Barriers to participation of Women in technological education and the role of distance education.
- [27]. Zareen F. Naqvi and Lubna shahnaz. (2007). How do women decide to work in Pakistan. The Pakistan Development Review. 41:4 part (winter 2007). pp:495-513.